

زیارت

چاپ دوم

نویسنده: جواد نعیمی

نقاشی: مهدی سلطانی

گروه کودک و نوجوان بنیاد پژوهشهای اسلامی
برای گروه های سنی زیر کتاب منتشر می کند:

گروه الف : سالهای پیش از دبستان

گروه ب : سالهای آغاز دبستان

گروه ج : سالهای پایان دبستان

گروه د : دوره راهنمایی

گروه هـ : دوره دبیرستان



بیتوته
للمسلمین
المکتب

زیارت

نویسنده : جواد نعیمی
تصویرگر: مهدی سلطانی

نعیمی، جواد، ۱۳۳۵ -، پدید آور
زیارت/ نویسنده: جواد نعیمی؛ نقاشی: مهدی سلطانی... مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۶ ص. : مصور (رنگی).
ISBN 978-964-971-268-0
گروه سنی: ب.
۱- داستان های اجتماعی. ۲. زیارت - آداب و رسوم. الف. سلطانی، مهدی، تصویرگر. ب. بنیاد
پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.
کتابخانه ملی ایران
۱۳۸۸ز ۵۴۹ ن ۳۰۰ دا
۱۷۵۱۱۵۹



زیارت

نویسنده: جواد نعیمی

تصویرگر: مهدی سلطانی

چاپ دوم ۱۳۹۰

۳۰۰۰ نسخه / خشتی

قیمت ۹۶۰۰ ریال

چاپ: گوتمبرگ

مراکز بخش

بنیاد پژوهشهای اسلامی، تلفن و دورنگار واحد فروش (مشهد) ۲۲۳۰۸۰۳ (قم) ۷۳۳۰۲۹

صندوق پستی: مشهد - ۹۱۷۳۵-۳۶۶

website: www.islamic-rf.ir

e-mail: info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

پدر گفت: بچه‌ها آماده شوید تا به زیارت حرم امام رضا علیه السلام برویم. مادر برای برداشتن چادر و مقنعه‌اش به اتاق دیگر رفت. پدر در حالی که به طرف حمام می‌رفت، گفت: تا شما لباس‌های تان را بپوشید، من غسل زیارت می‌کنم و می‌آیم.



برادر کوچک ترم پرسید: غسل زیارت یعنی چه؟ مادر که صدای او را شنیده بود، از آن اتاق به طرف ما آمد و گفت: پسر! غسل یعنی شستن بدن به ترتیب و شکلی خاص. غسل زیارت هم یعنی شستن و پاکیزه کردن بدن به همان ترتیب (اول شستن سر و گردن، بعد طرف راست و سپس سمت چپ بدن). به منظور رفتن به حرم مطهر معصومین علیهم السلام. چند دقیقه بعد که پدر از حمام بیرون آمد، خواهر کوچولو و برادرم بر سر چیزی با هم بگو مگو می‌کردند! پدر، خندید و گفت: بچه‌های عزیزم! مگر نمی‌دانید که موقع رفتن به زیارت، آدم نباید دعوا راه بیندازد و حرف بیهوده بزند؟ و ادامه داد:



وقتی همه آماده شدیم، از خانه بیرون آمدیم و به طرف حرم امام رضا علیه السلام راه افتادیم. پدر در راه همه اش یاد خدا می کرد و صلوات می فرستاد. هنگامی که وارد صحن حرم شدیم، مادر و خواهرم به قسمت ورودی خواهران در صحن انقلاب رفتند و من و پدرم برادرم از قسمت ورودی برادران در صحن جمهوری اسلامی، وارد حرم شدیم.

سعی کنید وقتی می خواهید به حرم بروید، لباس های نو و تمیز خودتان را بپوشید. همین طور یادتان باشد کسی که می خواهد به زیارت برود، بهتر است خودش را خوش بو کرده، در راه خدا انفاق کند.

انفاق دیگر چیست پدر؟

پدر، دستی بر سر خواهرم کشید، نوازشش کرد و با خنده گفت: انفاق یعنی بخشش. یعنی بخشیدن و خرج کردن پول یا چیزی در راه خدا. مثل صدقه دادن به فقرا.





دم در ورودی ، پدر اندکی ایستاد و
دعای کوتاهی خواند . به برادرم گفتم : به این دعا
اذن دخول می گویند .

داخل حرم که شدیم ، پدر گفت : حالا که توفیق زیارت
حرم مطهر امام هشتم علیه السلام را پیدا کرده اید ،
خدا را شکر کنید . بعد هم کتاب دعایی را برداشت و ما
را به قسمتی که خلوت تر بود ، برد .

در آن جا نشستیم و پدر مشغول خواندن زیارت نامه شد .
نه خیلی آهسته می خواند که ما متوجه نشویم و نه خیلی بلند .
می گفت : آدم هنگام زیارت نباید باعث آزار و مزاحمت و حواس پرتی
دیگران بشود .

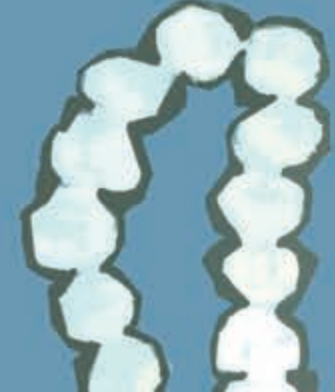
وقتی زیارت نامه خواندن تمام شد ، پدر نگاهی به ما انداخت و گفت :
یادتان باشد که بهتر است هر وقت به حرم می آید ، آیاتی از قرآن را هم بخوانید . پدر این را
گفت : قرآن را برداشت و شروع به خواندن آن کرد . بعد هم به ما گفت : حالا باید
نماز زیارت بخوانیم .

برادر کوچکم پرسید :

نماز زیارت ؟ چه طوری ؟

پدر لبخندی زد و گفت :

پسرم ! نماز زیارت مثل نماز صبح دو رکعت است که به جا آوردن آن پس از خواندن زیارت ،
مستحب است و ثواب دارد . نماز زیارت را که خواندیم ، پدر گفت :



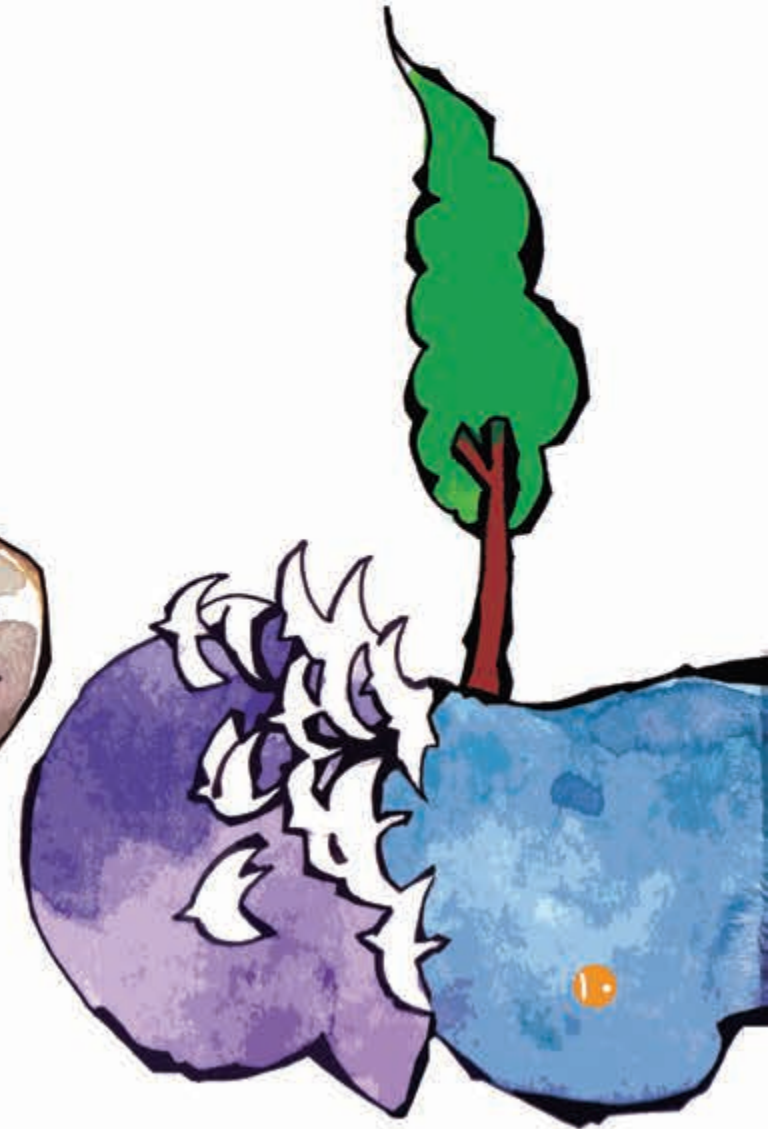
بچه ها! حالا هرچه دلتان می خواهد از امام رضا علیه السلام بخواهید.
گفتم: پدر! شما که یک بار گفتید آدم هرچی می خواهد، باید از خدا بخواهد!
پدر، لبخندی زد، صورتش را بوسید و گفت:

درست است پسر. وقتی ما از امامان و معصومین چیزی می خواهیم، در واقع آن ها را میان
خود و خدای مان واسطه قرار می دهیم. چون آن ها پاک و معصوم و مورد توجه خداوند هستند،
برای ما دعا می کنند و خواسته های ما را به درگاه خداوند می برند تا اگر خداوند برآورده شدن
آرزوهای ما را به صلاح مان بداند، آن ها را بپذیرد. بنابراین، معصومین واسطه های فیض و خیر
و برکت اند و می توانند شفاعت دیگران را نزد خداوند کنند.






پس از آن که از حرم بیرون آمدیم و وارد صحن شدیم، پدر نگاه دیگری به
ضریح مطهر امام هشتم علیه السلام انداخت و زیر لب زمزمه کرد:
خدایا! این زیارت را آخرین زیارت ما قرار نده! یا علی بن موسی الرضا! باز هم
ما را بطلب!
کنار سقاخانه منتظر مادر و خواهرم ایستادیم. چند دقیقه بعد، آن ها نیز پیش
ما بودند. پدر رو به مادر و خواهرم کرد و گفت: زیارت تان قبول باشد.





مادر، آهی کشید و گفت: خداوند از همه قبول کند. اما چه قدر حرم شلوغ بود. ما که نتوانستیم درست زیارت کنیم. اصلاً دست مان به ضریح نرسید! پدر سری تکان داد و گفت: شما هم که مثل بعضی ها فکر میکنی زیارت فقط دست زدن به ضریح است. نه! این طور نیست! زیارت در حقیقت پیدا کردن توجه قلبی به امام علیه السلام و به راه و اندیشه و کردار آن بزرگوار است.





ما باید به هدف های معصومین علیهم السلام بیشتر فکر کنیم و زندگی آن ها را سرمشق خودمان قرار بدهیم .

بنا بر این همین که با خلوص نیت به حرم بیایی ، سلامی به امام رضا علیه السلام بدهی و به آن حضرت ابراز محبت کنی ، کافی است و لازم نیست که حتماً دستت به ضریح برسد . در حالی که همه ما از شوق زیارت و دیدار حرم ، خوش حال و راضی بودیم ، شادمانه روانه خانه شدیم .

نسیم ملایمی، پرچم روی گنبد را تکان می داد.

